

معلم باید مشاور هم باشد

گفت‌وگو: سمانه آزاد

گفت‌وگو با مریم رویت‌وند، معلم و مشاور

مریم رویت‌وند، ۲۵ سال است در آموزش و پرورش خدمت می‌کند و از این مدت سه سال پایانی آن را در کسوت مشاور بوده است. می‌گوید دغدغه‌هایش باعث شد که علاوه بر ورود به حیطه مشاوره، دست به انتشار نشریه‌ای به نام «فاروس» بزند تا از این طریق بتواند در تعامل با همکارانش هم خود رشد کند و هم باعث رشد آن‌ها شود. گرچه در انتشار و توزیع فاروس مشکلات بسیاری سر راه این معلم قرار داشته اما انگیزه‌هایش آن قدر قوی بوده‌اند که هنوز فاروس را زنده نگاه داشته است و حتی توانسته در جشنواره مطبوعات استان البرز رتبه دوم بخش مصاحبه‌ها را به خود اختصاص دهد. شاید بتوان مهم‌ترین دغدغه رویت‌وند را نگرانی او برای دانش‌آموزان دانست؛ دانش‌آموزانی که در میان فشارهای خانواده و مدرسه دچار مشکلاتی از قبیل اضطراب می‌شوند. همه تلاش او در جهت تدوین اصول حرفه‌ای در مدارس است؛ اصولی که در صورت اجرای آن‌ها دیگر از رفتارهای سلیقه‌ای در شرایط و موقعیت‌های مشابه خبری نیست و ارزش و حرمت دانش‌آموز در اولویت قرار خواهد گرفت. با این مشاور و معلم در دفتر فاروس در شهر کرج گفت‌وگویی کرده‌ایم که آن را می‌خوانید.

در دانشگاه و در رشته روان‌شناسی تربیتی پذیرفته شدم. در آن وقت فکر می‌کردم الان دیگر زمانی است که می‌توانم به همه خواسته‌هایم برسم و در کنار استادان رشد خواهم کرد، اما متأسفانه باز هم این‌گونه نبود و وقتی از پایان‌نامه‌ام دفاع کردم مطمئن بودم دیگر به دانشگاه برنمی‌گردم. در واقع ما در رشته روان‌شناسی تولید داخلی نداریم و استادان ما چندان صاحب سبک نیستند تا در همان سبک دانشجو تربیت کنند که ادامه‌دهنده راه آن‌ها باشند، در حالی که من با این

ذهن مرا مشغول کرده بود به طوری که مطلبی را نوشتم و در روزنامه کیهان (سال ۷۴) به چاپ رساندم. در واقع احساس می‌کردم برای دوره ابتدایی و معلمان آن کسی ارزش‌چندانی قائل نیست در حالی که من دنبال ارضای این‌نیاز بودم. از سوی دیگر پس از اینکه معلمی را شروع کردم بسیاری از همکاران را می‌دیدم که حرفه‌ای عمل نمی‌کنند؛ گرچه در دوره تربیت معلم استادهایی داشتیم که به معنای واقعی معلم تربیت می‌کردند. این گذشت تا زمانی که در دوره کارشناسی ارشد

خانم رویت‌وند، چه انگیزه‌هایی باعث شد شما دست به تولید مجله بزنید؟

انگیزه‌های زیادی باعث شدند. ببینید! هر کاری که ما انجام می‌دهیم برای ارضای یکی از نیازهایمان است. زمانی که من معلم دوره ابتدایی بودم حس می‌کردم نیاز به ارزشمندی در من ارضا نمی‌شود و نمی‌توانم آن را احساس کنم. حس می‌کردم با وجود اینکه کارآمد هستم بازخورد خوبی دریافت نمی‌کنم. تبعیض میان معلمان دوره ابتدایی و دوره‌های بالاتر



باید به مشاور
و مشاوره
به‌عنوان
موضوع
پیشگیری‌کننده
نگاه کنیم نه
صرفاً حلال
مشکلات

حرفه‌ای اگر مشکلی در دانش آموز دیدند آن را ریشه‌یابی می‌کنند و یا همان زمان با رفتار درست آن را اصلاح می‌کنند. ما اکنون شاهد مشکلات زیادی در دانش‌آموزان هستیم. من به‌عنوان مشاور می‌دانم چه رفتارهایی باعث این مشکلات می‌شود اما چرا همه ما، معلم و مشاور و مدیر، حلقه آخر هستیم؟ چرا ما در مدرسه حلقه آخر هستیم؟ در واقع باید به مشاور و مشاوره به‌عنوان موضوع پیشگیری‌کننده نگاه کنیم نه صرفاً حلال مشکلات. ما در دبستان‌ها و بسیاری از مدارس دیگر مشاور نداریم، بنابراین بهترین راه حل این است که معلم مدرسه مشاور باشد. ما در فاروس به دنبال این هستیم که آموزش‌هایی به معلمان بدهیم که اگر به‌طور موردی با مسئله‌ای برخورد کردند چه واکنشی نشان دهند. یعنی باید چارچوبی تعریف کنیم تا از رفتار سلیقه‌ای جلوگیری شود، و این یعنی حرفه‌ای رفتار کردن. درخواست من تدوین اصول حرفه‌ای در مدارس است و یکی از مهم‌ترین اهدافی است که دنبال می‌کنم.

موضوعاتی را دنبال می‌کنید؟
ما سعی داریم وارد همه ابعاد زندگی شویم. مشاوره و هدایت تحصیلی، محیط‌زیست و تأثیر آن بر روح و روان انسان، مدرسه کیفیت، مصرف‌گرایی، اعتیاد و مواد مخدر، روان‌شناسی تروریسم، دانش‌آموزان تیزهوش و فشارهایی که تحمل می‌کنند و... در واقع هدف اصلی ما آگاه‌سازی مخاطبان در زمینه‌های گوناگون و سوق دادن معلمان به حرفه‌ای عمل کردن است.

منظورتان از حرفه‌ای بودن چیست؟ معلم حرفه‌ای چه ویژگی‌هایی دارد؟

معلم، مشاور و مدیر حرفه‌ای هیچ‌گاه در حرفه خود سلیقه‌های شخصی‌اش را به کار نمی‌برد و همواره نیز سعی می‌کند خود را به روز نگه دارد. همچنین فرد حرفه‌ای در ارتباطاتش نقش قربانی را ندارد و همواره مثل یک مربی در کنار مربی قرار دارد؛ مانند مربی شنا که هیچ‌وقت داخل آب نمی‌شود بلکه کنار استخر می‌ایستد و فرمان می‌دهد. معلمان

انتظار و نگاه وارد دانشگاه شده بودم. پس از آن وقتی با معلمان فرزندانم نیز در ارتباط مستقیم قرار گرفتم متوجه رفتارهای غیرحرفه‌ای برخی از این معلمان شدم. همه این‌ها به کنار، ضرورت آموزش معلمان (به دلیل حذف دوره تربیت معلم) باعث شد تا من به فکر ایجاد مجله‌ای بیفتم که حرف‌هایم را به همکارانم بزنم تا از طریق این تعامل همه با هم رشد کنیم. حتی والدین هم گروه مخاطبان این مجله بودند تا با انتظارات درست و به‌جای خود از مدرسه و معلم آشنا شوند. به این ترتیب طی سال‌های ۸۶ - ۸۵ درخواست مجوز نشریه کردم تا در سال ۱۳۹۰ مجوز فعالیت این مجله (فاروس) صادر شد. گرچه مجوز فعالیت ما ماهنامه است اما هر فصل فقط یک شماره را منتشر می‌کنیم چون هزینه آن را با حقوق معلمی‌ام تأمین می‌کنم. توزیع مجله استانی است و با تیراژی که دارد تقریباً رایگان به دست مخاطبان می‌رسد.

در مجله بیشتر چه اهداف و

چرا معلمان نیاز به مهارت‌های مشاوره‌ای دارند؟

معلمان با کودکان و نوجوانان ارتباط دارند که با همه نیازهایشان وارد کلاس می‌شوند؛ نیاز به تفریح، قدرت، آسایش، پیوند، بقاء و... و باید این نیازها برآورده شوند. بنابراین مدرسه و کلاس باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز نیازهایش را مسئولانه ارضا کند و این معلم است که باید راهکار برآوردن نیاز را به دانش‌آموز نشان دهد. در اینجا معلمی حرفه‌ای عمل می‌کند که از مهارت مشاوره‌ای برخوردار باشد. در این صورت هم نیازهای خودش برطرف می‌شود و هم به ارضای نیازهای دانش‌آموزانش کمک می‌کند؛ در نتیجه همگی احساس رضایت خواهند داشت.

در این زمینه معلمان به چه مهارت‌هایی نیازمند هستند؟

در درجه اول «توانایی برقراری ارتباط درست با دانش‌آموزان» که از مهم‌ترین مهارت‌هاست. همچنین معلم باید بتواند توانایی حل مسئله را به دانش‌آموزانش بیاموزد تا بتوانند مسئولانه مشکل خود را حل کنند. معلم باید بتواند موضوعاتی را الگووار به دانش‌آموزان آموزش دهد؛ موضوعاتی مانند کنترل خشم. علاوه بر مهارت‌های مشاوره، معلم باید با مهارت‌های مدیریت هم آشنا باشد. همچنین رفتارش باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز حس کند ارزش و حرمتش در کلاس حفظ می‌شود.

برای اینکه معلمان بتوانند این مهارت‌ها را کسب کنند، شما چه توصیه‌ای به آن‌ها دارید؟

ابتدا باید برای خودشان دوره‌های بازآموزی و خودآموزی در نظر بگیرند و مطالعه را فراموش نکنند. اما اگر بخواهیم تغییر اساسی در این زمینه داشته باشیم این اتفاق باید در سطح کلان بیفتد. کلاس‌های ضمن خدمت

و کارگاهی در این زمینه تشکیل شود تا معلمان بدانند به‌عنوان یک فرد حرفه‌ای در کلاس باید چگونه رفتار کنند. این چارچوب باید تنظیم شود تا همه از آن استفاده کنند و رفتارهای یکسانی در موقعیت‌های مشابه صورت بگیرد. ما قشر فرهنگی هستیم و باید فرهنگی رفتار کنیم. اگر قرار باشد ما همان رفتاری را داشته باشیم که خانواده‌ها دارند، دانش‌آموز چگونه خواهد توانست فضای مدرسه را تحمل کند؟

حالا که خودتان وارد حیطه مشاوره شده‌اید، فعالیت مشاوران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر به مشاوران امکان و اختیار بدهند آن‌ها فعالیت‌های خیلی خوبی خواهند داشت، ولی از آنجا که متأسفانه مدیریت مدارس ما عموماً راهبرانه نیست و بیشتر تحکمی است، یعنی نگاه بالا به پایینی وجود دارد و در نهایت تقسیم کاری صورت نمی‌گیرد مشاوران نمی‌توانند به خوبی فعالیت کنند و از عهده وظایفشان برآیند. اکثر مشاوران ما در مدرسه‌ها صاحب نظر نیستند چون مدیر به آن‌ها می‌گوید چه کار بکنند. و چه کار نکنند! در واقع آن‌ها مشاور را به‌عنوان کسی که می‌توانند از او راهنمایی و مشاوره بگیرند نمی‌بینند. این وضع باعث می‌شود مشاوران ما کارآمدی و تاثیرگذاری لازم را نداشته باشند. الان در خیلی از مدارس مشاور حکم ناظم را پیدا کرده است، اما معلمان و دانش‌آموزان نیاز دارند که همیشه در مدرسه کسی باشد که به حرف‌هایشان گوش دهد و اگر هر دو طرف مشکلی دارند به او مراجعه کنند و این کار مشاور است؛ ولی چون مشاوران جایگاهی ندارند این اتفاق نمی‌افتد.

همکاری میان معلمان و مشاوران چگونه است؟

اگر معلمان بدانند که مشاور

در مدرسه‌شان جایگاهی دارد با او همکاری می‌کنند. من اکنون سه سال است وارد حوزه مشاوره شده‌ام و مشاور معلمان هم هستم، چرا که مدیر مدرسه با من همکاری داشته است. مدیری که ویژگی‌ها و روان‌شناسی معلمان و دانش‌آموزانش را بداند و رفتارهای مؤثری داشته باشد تأثیرگذار خواهد بود و باعث تأثیرگذاری همکارانش هم خواهد شد. البته این امر در همه مدارس اتفاق نمی‌افتد.

خانم رویت‌وند، شما چه بازخوردی از انتشار فاروس گرفته‌اید؟

بازخوردها خوب بوده است. انتشار فاروس مایه تعجب و تحسین بسیاری شده ولی حمایت نشده است. با هزار یا دو هزار تیراژ اتفاقی نمی‌افتد. ضمن اینکه چون به طور منظم قادر به انتشار فاروس نیستیم نمی‌توانیم مشترک عمومی بپذیریم. از سوی دیگر مدیران به سختی اجازه می‌دهند مجله وارد مدرسه‌شان شود. تعداد معدودی هم که اجازه می‌دهند شاید رعایت همکار بودنمان را می‌کنند. اما همکاران بازخورد خوبی داشتند و خواستار اشتراک هم هستند ولی ما چون نمی‌توانیم فاروس را هر ماه منتشر کنیم نمی‌توانیم مشترک بپذیریم.

به این ترتیب فقط می‌توانم بگویم فاروس با انتشار هر چند وقت یک‌بارش، زنده است. نمی‌دانم چرا کار فرهنگی را ما فرهنگیان انجام نمی‌دهیم؟ چرا ما فرهنگیان دست روی فرهنگ نگذاریم؟ ما که می‌دانیم باید چه کرد تا خانواده‌هایی سلامت داشته باشیم چرا نباید این کار را انجام دهیم؟ ما که هم انگیزه و هم انرژی این کار را داریم؟ فاروس برای من یک کلاس دیگر است؛ کلاسی به اندازه استان البرز؛ و اگر فاروس بماند احساس می‌کنم معلم باقی می‌مانم و می‌توانم باز هم معلمی کنم.